

سرمایه اجتماعی: خوب، بد، زشت

پائول اس. ژوله و سوک- ووکن*

ترجمه و تلخیص: سعید عطاری**

چکیده

شمار رو به افزایشی از جامعه‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی، اقتصاددانان و نظریه‌پردازان مسائل سازمانی در تحقیقاتشان برای پاسخ دادن به دامنه وسیعی از پرسش‌هایی که در رشته خود با آن روبرو شده‌اند، به مفهوم سرمایه اجتماعی استناد کرده‌اند. این مقاله سعی دارد این مفهوم را شفاف سازد و سودمندی این مفهوم برای تئوری سازمانی را ارزیابی کند. به همین دلیل این مقاله از سویی پژوهش‌های نظری مورد قبول در چارچوب‌های متفاوت و از سوی دیگر، پیشرفت‌های یک چهارچوب مفهومی عمومی را که منابع، منافع و ریسک‌های سرمایه اجتماعی در آن معلوم می‌شوند، در یک چارچوب نظری ترکیب‌بندی می‌کند.

طی سال‌های اخیر، مفهوم سرمایه اجتماعی به سرعت در دامنه وسیعی از رشته‌های علوم اجتماعی محبوبیت یافته است. شمار رو به افزایشی از جامعه‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی و اقتصاددانان در تحقیقاتشان برای پاسخ به دامنه وسیعی از پرسش‌هایی که در رشته خود با آن روبرو شده‌اند، از مفهوم سرمایه اجتماعی استفاده کرده‌اند. سرمایه اجتماعی که عمدتاً به مثابه وجهی از ساختار اجتماعی که کنش را تسهیل می‌کند، شناخته شده، مطالعاتی در باب خانواده‌ها و مسائل رفتاری جوانان، آموزش و پرورش، زندگی انجمنی، دموکراسی و حکومت، پیشرفت اقتصادی و مسائل کلی کنش جمعی را شکل داده است.

همچنین مفهوم سرمایه اجتماعی، در مطالعات سازمانی در حال بسط و گسترش است. محققان بسیاری از مفهوم سرمایه اجتماعی استفاده کرده‌اند و تمام توجه خود را معطوف به توضیح پدیده‌هایی نموده‌اند که در میان افراد داخل و خارج از شرکت‌ها، میان واحدهای فرعی سازمانی در داخل شرکت‌ها و میان خود شرکت‌ها وجود دارد:

● در میان افراد داخل شرکت‌ها، سرمایه اجتماعی در تاثیر بر موفقیت شغلی (برت، ۱۹۹۲؛ گیبی و زاگرم، ۱۹۹۸) و پاداش‌هایی که در جریان کار داده می‌شود (بلیویو، اوریلی و ویر، ۱۹۹۶؛ برت، ۱۹۹۷)، شناخته شده است. سرمایه اجتماعی در بازار کار، خصوصاً اگر روابط میان کارگران جویای کار، ضعیف و سست باشد، اهمیت کمک به آنان را به صورت شفاف نشان می‌دهد (گرانوودر، ۱۹۹۵-۱۹۷۳) و همچنین در ایجاد دسته‌ای از نیروهای زبده که تازه استخدام شده‌اند و توانانتر [از نیروهای قبلی] هستند نیز به روشنی دیده می‌شود (فرناندز، کستیلوموره).

● درون و میان واحدهای فرعی، سرمایه اجتماعی معاوضه و مبادله منابع میان واحدها را تسهیل می‌کند و باعث نوآوری در تولید می‌شود (گیبی و زاگرم، ۱۹۹۸؛ هانسن، ۱۹۹۸)، سرمایه فکری ایجاد می‌کند (هارکادن و ساتن، ۱۹۹۷؛ ناهایت و گوشال، ۱۹۹۸) و قابلیت جمعی مربوط به وظایف افراد را افزایش می‌دهد (رمین سال، ۱۹۹۶)، همچنین باعث کاهش نرخ اخراج و جابجایی نیروی کار می‌شود.

● درون و میان شرکت‌ها، سرمایه اجتماعی نرخ فساد سازمانی را کاهش می‌دهد (پنینگز و لی، ۱۹۹۸)، رشد شرکت‌هایی را که تازه آغاز به کار کرده‌اند، تسهیل می‌کند (شانگ و گیونز، ۱۹۹۷) [و حتی قبل از آن] فرآیند تشکیل یک شرکت را با سرعت بیشتری پیش می‌برد (واکر، کالت و شان، ۱۹۹۷)؛ علاوه بر این روابط موجود (آسانوما، ۱۹۸۵) و شبکه‌های تولید منطقه‌ای را تقویت می‌کند (رمو، ۱۹۹۵) و مبادرات اطلاعاتی میان شرکت‌ها را نیرو می‌بخشد (کراتز، ۱۹۹۸). به دلیل افزایش تعداد محققان مربوط به امور سازمانی، مفهوم سرمایه اجتماعی برای کامل کردن و رسیدن به دقت نظر بیشتر، راهی ارائه کرده است تا برگستره پدیده‌هایی که در مرکز توجه مطالعات سازمانی قرار دارند، تاثیر بگذارد. سرمایه اجتماعی درون سازمان‌ها تحت عنوان "سازمان غیررسمی" و مفاهیم مرتبط با آن، مورد مطالعه قرار گرفته است. این سوبه می‌تواند به مطالعات هاوتورن منتهی شده باشد؛ او محافلی در میان کارگران ترسیم کرد و تاثیرشان را بر هنجارهای کاری و انجام کار نشان داد. این سوبه مطالعاتی در باب سرمایه اجتماعی میان سازمان‌ها به مباحث مارشال (۱۹۱۹) در باب بلوک‌های صنعتی و مباحث ماکلی در باب مناسبات قراردادی در تجارت و امور دادوستدی باز می‌گردد.

تعاریف سرمایه اجتماعی	نویسندگان	بیرونی یا درونی
منبعی است که کنشگران آن را از ساختارهای اجتماعی خاصی استنتاج می کنند و سپس آن را در راستای دستیابی به منافع شان مورد استفاده قرار می دهند. این سرمایه اجتماعی به وسیله تغییرات در روابط میان کنشگران ایجاد می شود (۱۹۹۰: ۶۱۹).	بیکر	۱. بیرونی
یک شبکه خصوصی فردی و بیوندهای نهادهای نخبگان (۱۹۹۶: ۱۵۷۲).	بلیویو، اریلی و وید	
تراکم منابع بالفعل یا بالقوه‌ای که با تصرف شبکه بادوامی از روابط کم و بیش نهادینه شده مبتنی بر آشنایی یا شناخت دو طرفه به هم پیوسته شده‌اند (۱۹۸۵: ۲۴۸).	بورديو	
سرمایه اجتماعی، ساختی از التزامات (ارتباطات) اجتماعی است که در برخی شرایط قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و چه بسا به شکل اصالت و اشرافیت درآمد (۱۹۸۵: ۲۴۳).		
مجموع منابع مجازی یا واقعی‌ای است که به یک فرد یا گروه، با توجه به مزیت در اختیار داشتن شبکه بادوامی از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل تعلق می گیرد (بورديو و واکانت، ۱۹۹۲: ۱۱۹).		
تعدادی از افرادی که می‌توانند حمایت مورد انتظاری را جلب کنند و منابعی که در دسترس این گونه افراد است (۱۹۹۱: ۵۲).	باکس من	
دوستان، همکاران و بیشتر ارتباطات عمومی با کسانی که فرصتی برای استفاده از سرمایه ملی و انسانی فراهم می‌آورند (۱۹۹۲: ۹).	برت	
حق‌العمل فرصت‌هایی که در یک شبکه به وجود می‌آید (۳۵۵: ب ۱۹۹۷).		
فرآیندی که به وسیله آن، کنشگران اجتماعی، ابتدا ارتباطات شبکه‌ای‌شان را درون و مابین سازمان‌ها به وجود می‌آورند و سپس تجهیز می‌کنند تا بتوانند از طریق دسترسی به منابع دیگر کنشگران اجتماعی، سودی به دست آورند (۱۹۹۹: ۱۸).	کناک	
توانایی کنشگران است تا بتوانند سودهایی را که به واسطه عضویت در شبکه‌های اجتماعی یا دیگر ساختارهای اجتماعی به دست آورده‌اند، حفظ کنند (۱۹۹۸: ۶).	پورتس	
بافت روابط مبتنی بر تشریک مساعی میان شهروندان که به واسطه آن حل و فصل مسائل کنش جمعی تسهیل می‌شود (۱۹۹۷: ۹۹).	برم و ران	۲. درونی
سرمایه اجتماعی به وسیله کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی تیبی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و واکنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. همانند دیگر اشکال سرمایه، سرمایه اجتماعی مولد است و دستیابی به فرجام معینی را که در غیر این صورت دست یافتنی نیست، ممکن می‌سازد (۱۹۹۰: ۳۰۲).	کلمن	
توانایی افراد برای کارکردن با همدیگر در جهت اهداف عمومی در گروه‌ها و سازمان‌ها (۱۹۹۵: ۱۰).	فوکویاما	
سرمایه اجتماعی می‌تواند به سادگی با وجود یک سری ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی معین تعریف شود که میان اعضای گروهی که به تشریک مساعی میان خود می‌پردازند، تقسیم می‌شوند (۱۹۹۷).		
منبعی است که کنشگران آن را از ساختارهای اجتماعی خاصی استنتاج می‌کنند و سپس آن را در راستای دستیابی به منافع شان مورد استفاده قرار می‌دهند. این سرمایه اجتماعی به وسیله تغییرات در روابط میان کنشگران ایجاد می‌شود (۱۹۹۰: ۶۱۹).	بیکر	
فرهنگ اعتماد و مدارایی که در شبکه‌های گسترده انجمن‌های داوطلبانه ظاهر می‌شود (۱۹۹۷: ۱۸۸).	اینگلهارت	
آن گونه عواید و روندهای اختیاری و داوطلبانه که در درون جامعه مدنی گسترش می‌یابند و باعث ارتقاء توسعه و پیشرفت کل مجموعه می‌شوند (۱۹۹۶: ۱۱).	تامس	
آن گونه انتظارات برای کنش درون یک مجموعه افراد که بر اهداف اقتصادی و رفتار هدف‌جویانه اعضای آن تأثیر می‌گذارد، حتی اگر این گونه انتظارات به طرف محیط اقتصادی جهت‌یابی نشده باشند (۱۹۹۳: ۱۳۳).	پورتس و سن برتر	
(یعنی حتی اگر این انتظارات، ماهیت اقتصادی هم نداشته باشند، باز بر اهداف اقتصادی اعضا تأثیر می‌گذارند).		
ترکیبات سازمان اجتماعی همچون شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی که همپایگی و تعاون را برای منفعت دوطرفه تسهیل می‌کند (۱۹۹۵: ۶۷).	پاتنام	

۲. هر دو	لازمی	طبقه روابط اجتماعی میان کنشگران اجتماعی که اقتصاد، مهارت و تخصص‌های ارزشمند در بازار را یاری می‌دهند و ارتقاء می‌بخشند. این طبقه به اندازه ارزش‌های مالی در قلمه دلیل موجه برای ارتقاء تازماری در جامعه قرار می‌گیرد (۱۹۹۸: ۱۵۳).
	ماهیت و گرایش	جمع منابع باصل و باکیفیت در دسترس، در دسترس از طریق و متنوع شده از شبکه‌های از روابط است که در صورت وجود در دسترس است. بنابراین سرمایه اجتماعی شامل هر شبکه و طراحی‌ای است که چه به‌طور فردی یا به‌طور جمعی می‌تواند (۱۹۹۸: ۱۵۳).
	بنار	بافت روابط اجتماعی که بر روی رفتار انفرادی تأثیر می‌گذارد و به این وسیله رشد اقتصادی را متغیر می‌سازد (۱۹۹۷: ۱۵۴).
	شیف	دستاوردهای عناصر ساختار اجتماعی که روابط میان اشخاص را متغیر می‌کند و درون شبکه‌ها یا مباحث از تولید و یا کاربزه سودمندی را متغیر می‌کند (۱۹۹۲: ۱۶۰).
	وولکان	اطلاعات و منابع‌های عملی در طول راه که در شبکه‌های اجتماعی به‌طور مکرر مبادله شده است (۱۹۹۸: ۱۵۳).

برای یافتن مبدا تاریخ اندیشه سرمایه اجتماعی، باید به خواست روشنی توجه کرد که قبلاً در تاریخ مطالعات سازمانی به شکلی گسترده وجود داشته است.^۲

به هر حال، آرزوی داشتن دقت و صراحت بیشتر با تکامل نظری موزای است. در این مورد سرمایه اجتماعی مشابه مفهومی دیگر است: "مفهوم سایبان"^۳ (هیرش ولوین، ۱۹۹۹). سرمایه اجتماعی، در برگیرنده دامنه وسیعی از پدیده‌ها و مفاهیم است: سازمان‌های غیررسمی در میان سازمان‌های دیگر، اعتماد، فرهنگ حمایت اجتماعی، مبادله اجتماعی، قراردادهای خویشاوندی، شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های درون شرکت‌ها. با این حال روشن نیست که ما از این که همه این‌ها را زیر مفهوم سرمایه اجتماعی به کار می‌بریم بیشتر منتفع می‌شویم یا متضرر. این قبیل مخاطرات سیال که روندهای نامتجانس، مقدمه‌ها و نتیجه‌های متمایزشان و شک و تردیدهای بسیاری را با یکدیگر تلفیق و ترکیب می‌کنند، مفهوم سرمایه اجتماعی را به یک اصطلاح فوق‌العاده کشنده تبدیل می‌کنند (لیپ و دو بویس، ۱۹۹۹: ۱۱۹). اندیشه‌ای که به معنی "همه چیز برای همه" (نارایان، ۱۹۹۷: ۱۲) و کیفیت چادر سیرکی به خود گرفتن^۴ (دوسوزا برمگیز، ۱۹۹۹: ۱۱۱) است.

سرمایه اجتماعی هنوز در مرحله "هیجان ظهور" یک چرخه زیستی خاص در "مفهوم سایبان" [پیش گفته] است (هیرش ولوین، ۱۹۹۹). ما برای این که این نیروی حرکت به شکلی موثر تبدیل به سرمایه شود و راهی برای مرحله بعدی چرخه زیستی مهیا گردد و همچنین چالش‌ها

ارزشی منطقی پیدا کنند پیشنهاد می‌کنیم یک چارچوب مفهومی که ما را به جریان‌های وابسته به تحقیقات علمی مختلف متصل کند، در نظر گرفته شود. ما تحقیقات تجربی در باب سرمایه اجتماعی را کنار می‌گذاریم و در این جا تمام توجه خود را به مفهوم شفاف و منطقی‌ای معطوف می‌کنیم که می‌تواند از این گونه جریان‌های مختلف به وجود آید: مفهوم سرمایه اجتماعی.

تعریف سرمایه اجتماعی

طی سال‌ها، دانشمندان علوم اجتماعی تعاریف مختلفی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند؛ جدول ۱ خلاصه‌ای از این تعاریف را نشان می‌دهد. این گونه تعاریف را می‌توان در ۳ نوع اصلی خلاصه کرد که عمدتاً بر موضوعات زیر متمرکزند: (الف) بیرونی، که مربوط است به روابط یک کنشگر که به وسیله کنشگران دیگر حمایت می‌شود؛ (ب) درونی، که مربوط است به ساختار روابط میان کنشگران یا مجموعه‌ای از افراد؛ (ج) مجموعه‌ای از هر دو دیدگاه.

گروه اول عمدتاً بر سرمایه اجتماعی به عنوان یک منبع که کنش را به وسیله یک کنشگر مرکزی تسهیل می‌کند، تمرکز دارند. منبعی که در شبکه اجتماعی ماندگار است و کنشگر مرکزی را به کنشگران دیگر متصل می‌سازد. این دیدگاه در ابتدا با این ایده همراه است که کنش‌های فردی و گروهی می‌توانند به شکلی گسترده با اتصالات مستقیم و غیر مستقیم به کنشگران دیگر در شبکه‌های اجتماعی تسهیل شوند. مطابق این دیدگاه، سرمایه اجتماعی می‌تواند کمکی باشد برای توضیح دادن و شرح دلایل موفقیت بارز افراد و شرکت‌ها در

رقابت‌هایی که با یکدیگر دارند. تحقیق در باب سرمایه اجتماعی از منظر جامعه‌شناختی (ای. جی. برت، ۱۹۹۲؛ لین، ۱۹۹۸) بر نظریه‌پردازان شبکه‌های اجتماعی [تأثیر فراوانی داشته است؛ این دیدگاه در باب سرمایه اجتماعی، در متغیر خودمحوری^۵ که در تجزیه و تحلیل شبکه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد، منعکس می‌شود.

در مقابل چنین دیدگاهی لایه‌های دیگر پژوهش در مورد سرمایه اجتماعی، به این مفهوم به مثابه نتیجه ساختار روابط مابین اشخاص یا گروه‌ها در درون جمع‌ها (واحد، سازمان‌ها، اجتماعات، مناطق، ملت‌ها و...) می‌نگرد. مخصوصاً آن وجهی که باعث همبستگی جمعی و کسب منافع مشترک می‌شوند. همان‌طور که در این دیدگاه در باب وجهی به شمار ساختار درونی جمع‌های اجتماعی^۶ در حوزه علوم اجتماعی مطالعاتی انجام گرفته، این دیدگاه کسانی را که در پی دستیابی به اهداف جمعی هستند، برجسته می‌سازد و آنان را دور هم جمع می‌کند. این به آن معنی است که استدلالات دیدگاه درونی بر این امر صحه می‌گذارد که اصطلاح "سرمایه" حتی وقتی قویاً از تفسیر سودمند سرمایه اجتماعی فاصله می‌گیرد، باز هم تناعی‌کننده دیدگاه بیرونی است.

این رهیافت درونی نسبت به سرمایه اجتماعی در مورد قرار دادن جامعه‌محوری^۷ (ساتر مور و لامان، ۱۹۹۸) و بسیاری از شبکه‌های سراسری^۸ (ولمن، ۱۹۹۸: ۲۶) و همچنین متغیرهای جامعه‌شناسی شبکه‌ها منعکس می‌شود. لینا و

وان بورن (۱۹۹۹) تفاوت میان دو دیدگاه را همانند آن که یکی سرمایه اجتماعی را کالای خصوصی می‌داند و دیگری کالای عمومی، توصیف می‌کنند (همان طور که بعداً خواهیم گفت، یک اصطلاح دقیق‌تر از نظر دیدگاه قبلی، اصطلاح کالای "جمعی" است. از این رو برخلاف کالای عمومی ناب، خودی‌ها می‌توانند بیگانه‌ها را از سودهایی که سرمایه اجتماعی در خود دارد، محروم کنند).

شق سوم از تعاریف، چنان عبارت‌سازی و واژه‌پردازی شده است که نسبت به ابعاد درونی/ بیرونی حالت بی‌طرفانه‌ای داشته باشد (نگاه کنید به قسمت سوم در جدول ۱). این بی‌طرفی چندین مزیت دارد. اولاً، تفاوت دیدگاه درونی و بیرونی به حدی زیاد است که یک رهیافت بی‌طرف میان این دو، علاوه بر این که از جنبه فکری حائز اهمیت است، تجزیه و تحلیل‌ها را به هم مرتبط می‌سازد. روابط میان یک کارمند و همکاران او در درون یک شرکت، برای کارمند وجهه درونی دارد، اما برای شرکت حالت بیرونی. علاوه بر این دیدگاه درونی و بیرونی، حالت انحصاری ندارند. رفتار یک کنشگر اجتماعی همچون یک شرکت، هم بر اتصالات بیرونی‌اش با شرکت‌ها و نهادهای دیگر و هم بر بافت اتصالات درونی‌اش تأثیر می‌گذارد؛ یعنی این که ظرفیتش برای انجام کنش موثر نوعاً دارای کارکردی دوگانه است. پژوهش درباره سرمایه اجتماعی، متمایل به پذیرش یکی از دو دیدگاه درونی و بیرونی است (برای رد این موضوع نگاه کنید به: گیبی و زاگرن، ۱۹۹۸).

برای اجتناب از این امر باید به این نکته توجه کنیم که بیشتر نظریه‌های اخیر شبکه‌ها و بعضی از دیگر مکاتب نظری جامعه‌شناختی، در تدوین تئوری به روش‌شناسی فردگرا متعهد هستند و بنابراین متمایز از ارزش توصیفی دیدگاه درونی، به گونه‌ای شک‌گرایی توضیحی پایبندند.

ما تعریفی را می‌پذیریم که نسبت به منابع بیرونی و امتیازات ویژه درونی، حالت بی‌طرفانه‌ای داشته باشد: سرمایه اجتماعی، مجموع منابعی است که به افراد و گروه‌ها به واسطه مزیت موقعیت‌شان در شبکه‌ای از روابط اجتماعی کم و بیش پایدار تعلق می‌گیرد.

آیا سرمایه اجتماعی واقعاً سرمایه است؟

این نوع از سرمایه دارای چه معنی‌ای است؟ بارون و هانان (۱۹۹۴) اهمیت مستتر شده و استعاری مفاهیم اقتصادی را در ادبیات جامعه‌شناختی توضیح داده‌اند و به ادبیات سرمایه اجتماعی به مثابه نمونه‌ای از "یک نوع مازاد سرمایه‌ها" رجوع کرده‌اند. در این بخش، به این بحث می‌پردازیم که سرمایه اجتماعی هم مشابه بعضی از انواع سرمایه است و هم متفاوت از اشکال دیگر و این مطلب را با ویژگی‌هایی که به طور گسترده در میان سرمایه اجتماعی و بعضی دیگر از سرمایه‌ها مشابه هم هستند، شروع می‌کنیم؛ در نهایت به مشخصات و ویژگی‌هایی خواهیم رسید که کمترین تشابه را با یکدیگر دارند.

۱. همانند دیگر شکل‌های سرمایه، سرمایه اجتماعی منبعی است در میان منابع دیگر که می‌تواند به امید بهره‌برداری در آینده سرمایه‌گذاری شود، ولو این که این آینده نامعلوم باشد، اما باز خواهد گشت. از طریق سرمایه‌گذاری در ایجاد شبکه روابط بیرونی، کنشگران فردی و جمعی می‌توانند سرمایه اجتماعی‌شان را تقویت کنند و از آن راه قدرت، اطلاعات و منافع مشترک به دست آورند؛ همین‌طور با سرمایه‌گذاری در توسعه روابط درونی‌شان، کنشگران جمعی می‌توانند هویت جمعی‌شان را تحکیم کنند و ظرفیت‌شان را در جهت کنش جمعی افزایش دهند، حال آن که بعضی مفسران معتقدند سرمایه اجتماعی در جمع‌های بزرگ‌تر دارای ریشه‌های تاریخی عمیقی است و باید به مثابه امر برون‌زایی که اعطا^{۱۱} می‌شود، با آن رفتار کرد^{۱۲} (ای. جی پاتنام، ۱۹۹۵)، همچنین حداقل تحت بعضی شرایط و مقتضیات، از طریق کنش‌های سنجیده قابلیت بر ساخته شدن دارد (ایرانس، ۱۹۹۶).

۲. مانند دیگر اشکال سرمایه، سرمایه اجتماعی هم قابل تخصیص^{۱۳} (کلمن، ۱۹۸۸) است و هم قابل تبدیل^{۱۴} (بورديو، ۱۹۸۵). مثل سرمایه فیزیکی که می‌تواند برای اهداف متفاوتی مورد استفاده قرار گیرد (ولو این که لزوماً کارایی

مساوی‌ای نداشته باشند)، سرمایه اجتماعی نیز قابل تخصیص است، به این معنی که شبکه متعلق به یک کنشگر، مثلاً شبکه‌ای که مربوط به پیوندهای دوستی است، می‌تواند برای اهداف دیگر نیز مورد استفاده قرار گیرد، مانند گردآوری و جمع کردن اطلاعات و آگاهی‌ها. به علاوه سرمایه اجتماعی می‌تواند به انواع دیگر سرمایه تبدیل شود؛ مزیت‌هایی که به واسطه موقعیت شخص در یک شبکه اجتماعی برای فرد وجود دارد، می‌تواند به مزیت اقتصادی یا مزیت‌های دیگر تبدیل شود. در میان چندین شکل از سرمایه که به وسیله بورديو مورد شناسایی قرار گرفته، سرمایه اقتصادی بیش از همه قابلیت تبدیل به پول را دارد؛ به تعبیر دیگر سرمایه اقتصادی قابلیت تبدیل به سرمایه انسانی، فرهنگی و اجتماعی را دارد. می‌توان گفت نرخ تبدیلی^{۱۵} سرمایه اجتماعی در مقایسه با سرمایه اقتصادی پایین‌تر است. سرمایه اجتماعی قابلیت تبدیل به پول کمتری را دارد و به مراتب دشوارتر می‌تواند نقد^{۱۶} شود (اسمارت، ۱۹۹۳).

۳. مشابه دیگر اشکال سرمایه، سرمایه اجتماعی می‌تواند جانشینی برای منابع دیگر باشد یا به آنان ضمیمه شود. از آن‌جا که سرمایه اجتماعی حالت جانشین دارد، گاهی کنشگران می‌توانند فقدان سرمایه مالی یا انسانی را به وسیله ارتباطات^{۱۷} ممتازی که برقرار می‌کنند، جبران کنند. سرمایه اجتماعی عموماً مکملی برای دیگر اشکال سرمایه است. برای مثال، سرمایه اجتماعی می‌تواند کارایی سرمایه اقتصادی را از طریق کاهش هزینه‌های معامله افزایش دهد (لازرسون، ۱۹۹۵). تجزیه و تحلیل وات نو (۱۹۹۷) در زمینه داده‌های پیمایشی جامعه اجتماعی^{۱۸} نظر مکملی بود [که از اهمیت سرمایه اجتماعی حمایت می‌کرد]: او دریافت که از جنبه اقتصادی، کسانی که زبان دیده بودند، سرمایه اجتماعی کمتری در اختیار داشتند، زیرا عموماً سطح اعتماد پائینی در میان آنان وجود داشت و کمتر در زندگی انجمنی شرکت می‌کردند (در واقع، او به این نتیجه رسید که منابع اولیه و اصلی سرمایه اجتماعی در کشور آمریکا تنزل قابل توجهی پیدا کرده است، همان نکته برجسته‌ای که پاتنام نیز به آن اشاره داشت (۱۹۹۵) در این زمینه می‌توان به بدتر شدن موقعیت^{۱۹} مستقل و نسبی زبان دیده استناد کرد. ۴. سرمایه اجتماعی همانند سرمایه اقتصادی

سرمایه اجتماعی، مجموع منابعی است که به افراد و گروه‌ها به واسطه مزیت موقعیت‌شان در شبکه‌ای از روابط اجتماعی کم و بیش پایدار تعلق می‌گیرد

* ژوله و وکن، هر دو از استادان دانشگاه کالیفرنای جنوبی و از پژوهشگران دیارتمان مدیریت و سازمان (DMO) و مدرسه مارشال بیزینس (MSB) هستند. این مقاله در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۹ در آکادمی انجمن مدیریت در شیکاگو ارائه شده است.

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران؛ پانوش‌ها:

۱. نگاه کنید به کتاب اعانه‌ها و شرکت‌ها در لیندز و گیبی، ۱۹۹۹
 ۲. نویسنده می‌خواهد پیوستگی مطالعات سازمانی را با اندیشه سرمایه اجتماعی نشان دهد. اگر بخواهیم ردپای خود اصطلاح سرمایه اجتماعی را در تاریخ بکارگیری آن پیدا کنیم، می‌توان به مباحث سال ۱۹۹۷ بر روی فهرست ساکنت (Soconet) رجوع کرد؛ نگاه کنید به دو سوزا بریگس، ۱۹۹۷.

۳. Umbrella concept

۴. یعنی مانند چادر سیرک که در زیر آن چیزهای متنوعی وجود دارد. سرمایه اجتماعی در برگیرنده امور و فرایندهای متنوعی است.

۵. Ego-centric

۶. انجمن‌ها

۷. Socio-centric

۸. Whole-network

۹. برای مثال نگاه کنید به مطالعات ارائه شده در بخش اول کتاب مارس دن ولین، ۱۹۸۲

۱۰. Public goods

۱۱. مثل جوامع و ملت‌ها.

۱۲. Converted

۱۳. یعنی در ساختارهای فرهنگی موجود است و به همین دلیل بیرون از فرد است. نویسندگان نگاهی دورکهایمی به ساختارها دارند.

۱۴. Convertibility rate

۱۵. یعنی تبدیل به پول نقد شود.

۱۶. Connections

۱۷. Position

۱۸. اعتماد نیز مانند دانش، به مثابه یک کالای عمومی، محصول انباشت است، یعنی به طور طبیعی رو به تصاعد است و با اعتماد متقابل افزایش می‌یابد.

۱۹. Collective good

۲۰. Non-tradability

۲۱. یعنی به میزان سرمایه‌گذاری در آن، بازدهی کمی قابل اندازه‌گیری ندارد.

نسبت‌هایشان با یکدیگر تجدیدنظر کنید، پیوستگی با هر آنچه که سرمایه اجتماعی در درون آن شکل می‌گیرد نیز متحمل می‌شود" (برته ۱۹۹۲: ۵۸).

این مساله، تعهد دو جانبه‌ای به وجود می‌آورد و همکاری هر دو طرف را برای ایجاد سرمایه اجتماعی طلب می‌کند. یک اشتباه از سوی هر یک از دو طرف، باعث نابودی آن می‌شود. موقعیت سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی به گونه‌ای است که قابلیت دادوستد ندارد (لی ناو وان بورن، ۱۹۹۹)، در مقابل با وجود این که قابلیت دادوستد نداشته^{۲۰} نیز یک ویژگی از سرمایه انسانی است، اما سرمایه انسانی در درون فرد مستقر شده است.

۷. در نهایت سرمایه اجتماعی از دیگر چیزهای مفید و با ارزشی که اقتصاددانان نام سرمایه بر آن می‌گذارند، متفاوت است، زیرا به نظر نمی‌رسد سرمایه‌گذاری برای بسط و گسترش آن اصولاً تابعی از اندازه کمیت به دست آمده آن باشد^{۲۱} (سولو، ۱۹۹۷)؛ حتی اگر سودهایی که از سرمایه اجتماعی به دست می‌آیند، قابلیت اندازه‌گیری داشته باشند، مادام که تلاش‌هایی که در راه استقرار شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شوند، قابلیت اندازه‌گیری نداشته باشند، بکارگیری اصطلاح "سرمایه" برای آن تا حدی حالت استعاری می‌یابد.

به هر حال، چنین استعاره‌هایی که در نظریه سرمایه مورد استفاده قرار می‌گیرند، بسیار شایع هستند. صدمه‌ای که به وسیله زیاده‌روی در استفاده از چنین استعاره‌هایی به وجود می‌آید، به سختی قابل مشاهده است. در برگردن این منبع به مثابه یک شکل از سرمایه، نباید چنین پنداشت که تجزیه و تحلیل آن، حتماً باید در چارچوب فکری نظریه‌های رسمی اقتصادی مطرح شود.

در مجموع، سرمایه اجتماعی به طور منظم در درون خانواده‌ای گسترده و غیرمتجانس از منابعی که عموماً "سرمایه" نامیده می‌شوند، فرو غلتیده است.

فیزیکی و سرمایه انسانی، اما متفاوت از سرمایه مالی، نیازمند حفظ و نگهداری است. قیود اجتماعی باید به نوبت نو به نو شوند و مورد تأیید مجدد قرار گیرند، در غیر این صورت کارایی خود را از دست خواهند داد. همچنین مشابه سرمایه انسانی اما متفاوت از سرمایه فیزیکی، سرمایه اجتماعی نرخ استهلاک قابل پیش‌بینی‌ای ندارد، زیرا در حالی که ممکن است سرمایه اجتماعی در اثر عدم استفاده (یا با سوءاستفاده) مستهلک شود، این نوع از سرمایه با مورد استفاده قرار گرفتن مستهلک نمی‌شود. سرمایه اجتماعی مثل سرمایه انسانی و بعضی از اشکال کالاها، عمومی مانند دانش، به طور طبیعی رشد می‌کند و با استفاده از آن بسط می‌یابد. برای مثال، امروزه به اثبات رسیده است که اعتماد که یکی از منابع کلیدی سرمایه اجتماعی است، در نتیجه عمل متقابل به دست می‌آید و در آینده تقویت می‌شود.^{۱۸}

۵. سرمایه اجتماعی مانند هوای تمیز و خیاان‌های امن، اما متفاوت با بسیاری از اشکال دیگر سرمایه، یک "کالای جمعی"^{۱۹} است، به این معنی که دارایی خصوصی کسانی نیست که از آن سود به دست می‌آورند (کلمن، ۱۹۸۸).

مخصوصاً این که استفاده از سرمایه اجتماعی حالت رقابتی ندارد، یعنی استفاده یک شخص از آن، دسترسی دیگران به آن را متأثر نمی‌کند و مانع دسترسی آنان نمی‌شود، اما (متفاوت از کالای عمومی ناب) می‌توان مانع استفاده از آن شد و دیگران می‌توانند از دستیابی به شبکه‌ای از روابط محروم شوند (هشتر، ۱۹۸۷).

۶. بعضی از محققان (ای. جی. کلمن، ۱۹۸۸) معتقدند مکانی که می‌توان برای سرمایه اجتماعی شناسایی کرد، متفاوت از دیگر اشکال سرمایه است؛ یعنی سرمایه اجتماعی نه در خود کنشگران، بلکه در روابطشان با کنشگران دیگر موجود است. هیچ بازیگری حق مالکیت انحصاری بر سرمایه اجتماعی را ندارد. اگر شما یا شریکتان در